

## فرخنده باد جشن اول ماهمه

روز اول ماه مه روز نمایش همبستگی جهانی رنجبران و همه خلق های گیتی با یکدیگر است.

"رنجبران جهان متحد شوید" - شعاری است که بارکسیسم برای رهایی بشریت ارائه داد شعاری که با تکامل بارکسیسم - لنینیسم و در انطباق با دوران امپریالیسم و عهد آزادی خلق های اسیر بصورت زمین در آمد: "رنجبران جهان و همه خلق های گیتی متحد شوید".

مارکسو انگلس در مانیفست حزب کمونیست این حقیقت را اعلام داشتند که: "تاکنون کلیه جنبش های تاریخی بوسیله اقلیت ها و یا بسواد اقلیت ها انجام گرفته است. جنبش پرلتری جنبش مستقل اکثریت عظیم است که بسواد اکثریت عظیم صورت می پذیرد. پرلترها، این قدر پائینی جامعه کوئی نمیتواند بریزند، نمیتواند قدم بلند کند مگر آنکه تمام روزنای شرفرهای را که تشکیل دهنده جامعه رسی اند منفرج گرداند".

بحث در باره نقش طبقه کارگر تا امروز نیز میان مارکسیست ها - لنینیست ها از یک سو و نمایندگان طبقات غیر پرلتری از سوی دیگر ادامه یافته و بویژه پس از ظهور روزینویسم معاصر شدت گرفته است. روزینویست ها که برای نفی انقلابات اجتماعی بهر وسیله ای متشخص میشوند مدعی اند که طبقه کارگر در کشورهای امپریالیستی در اثر تکامل ابزارهای تولید بستر بصورت روشن فکران و تکمیلین ها در می آید و خصوصیات طبقاتی انقلابی خود را از دست میدهد. روزینویست ها که گشتن فراوان در پیشاندن این اصل بکار میبرند که تکامل ابزارهای تولید موجب افزایش نرخ استثمار میشود و نه فقط از تضاد طبقاتی میان صاحبان وسائل تولید و محرومان از وسائل تولید نمیگردد بلکه بناچار موجب تشدید آن است. واقعیت اوضاع کشورهای امپریالیستی که حاکی از گسترش روزافزون اقتصادات عظیم اقتصادی و سیاسی و وطنیان توده ها بر ضد نظام موجود میباشد پاسخ محکی به تحریف روزینویست ها است.

در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره و بعضی از زمانبندگان طبقات متوسط مدعی شده اند که چون کارگران شهر نشین اند و رویم رفته زندگی کم رنج تری از توده دهقانان دارند محافظه کار و غیر انقلابی گشته اند و با لاف درخور سرکردگی انقلاب نیستند. نمونه این فکر را میتوان در کتاب "دوخیان روی زمین" که بفارسی نیز ترجمه شده است مشاهده کرد.

اما تمایز طبقه کارگر در فقر و محرومیت نیست. این خصوصیت را بردگان عهد باستان و دهقانان قرون وسطی و توده مردم ممالک مستعمره و نیمه مستعمره نیز داشته و دارند. تمایز طبقه کارگر در چگونگی شرکت او در تولید اجتماعی است. در اینست که با متریق ترین وسائل تولید سروکار دارد، متمرکز است با فضای شرایط کارش بیش از عموم طبقات دیگر تشکیل پذیر است، برخلاف طبقات دیگر روز بروز رشد می یابد به علت "وارستگی" از کلیه وسائل تولید تا آخر انقلابی است و تئوری علمی و اجتماعی که زائیده دوران سرمایه داری است (یعنی مارکسیسم - لنینیسم) متعلق باوست.

رهبری طبقه کارگر وابسته بتعداد افراد او نیست بلکه ناشی از آن خصوصیات انقلابی است که در بالا ذکر کردیم. در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره نیروی عمده انقلابی را دهقانان تشکیل میدهند و روشن فکران انقلابی نقش بسیار مهمی ایفا میکنند ولی اگر این نیروها از طرف حزب طبقه کارگر یعنی از طرف حزبی رهبری نشوند که در موضع طبقه کارگر و عبارت دیگر در موضع مارکسیسم - لنینیسم قرار دارند انقلاب به پیروزی نهایی و رهایی زحمتکشان نخواهد انجامید.

این حزب بویژه در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره فقط از اعضا طبقه کارگر تشکیل میشود و بقیه در ص ۲

## نشست جدید شاه

یکی از توقعات مهم محمد رضاشاه در مذاکره با صدر اعظم آلمان جلوگیری از فعالیت و موکراتیک ایرانیان مقیم آلمان بود. در اعلامیه مشترک پایان مذاکرات گفته میشود که مقرر است "کلیه اقدامات لازم را" بمنظور حفظ روابط موجود فارغ از هر گونه اخلاص اعلام داشتند. و روزنامه "کیهان" ۱۸ اسفند در تفسیر اعلامیه نوشته بود: "رومذ اکرات ویلی برانت در تهران موضوع فعالیت معدونه افراد وابسته به کفدراسیون اشار شده است و مقامات آلمانی متذکر شده اند که طرحی در مورد جلوگیری از فعالیت سیاسی افراد خارجی در آلمان به مجلس آلمان تقدیم شده است".

محمد رضاشاه بخش مهمی از مصاحبه خود را با روزنامه نگاران آلمانی نیز عصبانی وار به فعالیت ایرانیان و بویژه کفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در آلمان اختصاص داده در صدر برآمد آن را به منشا "خوابکاران بین المللی" که معلوم نیست چه صیغهای است - نسبت دهد و دلیلش آن بود که دانشجویان ضد رژیم در همه جاشعارهای واحد و شیوههای مشابه دارند و این امر نمیتواند علت دیگری جز محرک واحد داشته باشد. بگفتار خود او گوش فراد دهید:

"وقتا این افراد در تمام کشورها مثلا آلمان، فرانسه، ایتالیا یا سانفرانسیسکو حتی در ایران یک نواخت ایستند زیرا آنها یک دستور را دریافت میکنند".

محمد رضاشاه از دیدن این واقعیت سرها میزند که همه خلق ایران و از آنجمله دانشجویان دشمن واحدی دارند که رژیم کودتاست. پس سبب نیست اگر همه خلق ایران و از آنجمله دانشجویان در صف واحدی قرار داشته باشند. روشن است که شرایط معین مبارزه بر ضد دشمن واحد مقضی شعارها و شیوههای واحد مبارزه است. پس طبیعی است اگر دانشجویان ایرانی در همجا با شعارها و شیوههای واحد مبارزه بر علیه

## مخالف اونیفورم

محمد رضاشاه در مصاحبه با روزنامه نگاران آلمانی در اواخر به مبارزه ضد رژیم خویش گفت:

"شاید کسانی باشند که خود بخود مخالف قانون و نظم آنها همچنین مخالف اونیفورم هستند".

سخن محمد رضاشاه همان سخن دیرینه و کهنه "همه مترجمان است که قانون و نظم" خویش را بمنزله قانون و نظم مطلق جا میزنند، آن را ازلی وابدی میدانند و پیری بی چون و چرا از آن را برای خلق مسلم میمانند. هیتلر بنام قانین و "نظم جدید" جهان را بخت و خون کشید و میلیون ها نفر را در کوره ها سوزانید. این سیاست هیتلری نه فقط در کشورهای اشغالی بلکه در خود کشور آلمان نیز نسبت به کمونیست ها و موکرات هایی که حاضر نبودند در برابر "نظم" موجود سر انقیاد فرود آورند اجرا شد. هرگز از قانون و نظم هیتلری بیزاری میجست و اونیفورم اس اس های درنده را با دیده نفرت میگریست خائن دشمن آلمان بیگانه پرست و سزاوار شرف شمشیر بود.

دست نشانده هیتلر در اسپانیا مدت سی سال است که قانون و نظم خویش را برقرار کرده است. سوهارتو که بیش از نیم میلیون از هموطنان خویش را با داس مرگ از میان برداشت بنام قانون و نظم عمل کرد و میکند. امپریالیسم آمریکا در وقتا و سایر کشورهای هندوچین و در همه جهان بنام قانون و نظم پانهمه قیام دست زده است.

مارکسو انگلس در خطاب به بورژوازی می گفتند: "احکام حقوقی شما تنها عبارتست از اراده طبقه شما که بصورت قانون در آمده، اراده ای که مضمونش را شرایط مادی زندگی طبقه شما تعیین میکند".

قانون جامعه طبقاتی چیز دیگری جز اراده طبقه حاکمه نیست و فقط از منافع طبقه حاکمه و از نظمی که براساس منافع مذکور بوجود آمده است دفاع میکند. قانون جامعه طبقاتی فقط بوسیله زور میتواند اجرا شود. قانون جامعه طبقاتی بر ارتش، بر پلیس و زندان، بر زندان و بر دستگاه قضائی متکی است که همه مجربان او یعنی اراده طبقه حاکمه. محمد رضاشاه بیهوده می پندارد که اگر به قوانین "خویش" استناد کند مسئله ای را حل کرده است. همه می دانند که قوانین رژیم ایران و بویژه قوانینی که پس از کودتای

رژیم کودتا بپدید آمدند. اما محمد رضاشاه که يك عمر با دست و پا دیگران عمل کرده است چگونه فهمیده که ممکن است کسانی بنابر دستور دیگران بلکه بنا بر وجدان اجتماعی خویش و فرمان ممالح له خلق و میهن خویش فدکاری کنند؟

محمد رضاشاه در خطاب بروزنامه نگاران آلمانی، مقامات رسی آن کشور را تهدید کرد که اگر فعالیت کفدراسیون دانش جویان جلوگیری در دولت ایران با آنها به تیرگی خواهد گردانید. وی گفت:

"من فکر میکنم شما بخاطر روابط با کشورهای دیگر و از نظر ایجاد اطاعت، در قوانین کشور خود اقداماتی انجام دهید و به آتی جهت ویران ساختن روابطتان با کشورهای دیگر تبدیل نشوید".

همه میدانند که روابط امپریالیسم آلمان با کشور ایران بر چه پایه ای قرار دارد و متوجه چه هدفی است. یکی از اعضا هیئت نمایندگی حزب سوسیال دموکرات آلمان که در سال ۱۹۷۰ با ایران رفته بود پس از اظهار خشنودی از وضع روابط اقتصادی و تجاری آلمان با ایران تاکید کرد که "برای صنایع آلمان غریب امکان فعالیت در صنایع نفت، مس و اورانیوم ایران وجود دارد" و یکی از موضوعات گفتگوی ویلی برانت با شاه استفاضا از همین امکان بود. اینکه محمد رضاشاه که از طمع ورزی امپریالیسم آلمان نسبت به ثروت های طبیعی و بازار ایران بخوشی آگاه است مانند فریاده ترین دلال ها چانه میزند و اشاره میکند که با اگر میخواهد مقام اول را در واردات ایران حفظ کند، اگر اشتباهی نفت در دل شما شعله میزند، اگر طالب افزایش سرمایه گذاری در ایران و اخذ امتیازات گوناگون هستید، در قوانین کشور خود اقداماتی انجام دهید. که بتواند وسیله شریک و دانشجویان مبارز ایرانی در آلمان باشد وگرنه... ما میهن خود را بدیگران خواهیم فروخت نه شما.

لحن محمد رضاشاه در مورد مطبوعات بقیه در ص ۲

۲۸ مرداد از مجلس گوی بفرمان گذشته همگی در جهت سرکوب توده ها و وقتی برخلاف روح قانون اساسی و فقط به منظور تامین منافع غارتگران اجتماعی و بندویان امپریالیست آنها بوده است. محمد رضاشاه بویژه به قانون سازمان امنیت میبازد که دستگاه پلیسی ساخته و پر اختراع رایشان امریکائی را بر جای داد گستری و بر بالای داد گستری نشانده است.

محمد رضاشاه بویژه بر مواردی از قوانین دستوری متکی است که هرگونه مخالفت با رژیم وی و شخص وی را بمنوان قیام اهدام بر علیه سلطنت مشروطه به اعدام محکوم میکند. محمد رضاشاه برای هرچسب قانون قدرت سحر آسا قائل است و بی پند دارد که با این هرچسب میبایست اراده کوتای امپریالیستی ۱۰ میلیون دلاری ۲۸ مرداد را تقدیس کرد.

پاسخ محمد رضاشاه همان است که دکتر تقی ارانی رهبر ارجمند کمونیست های ایران، به پدر تری رضا شاه در ارانی در دادگاه تاریخی خود گفت: "فقط آن قانون مقدس است که حافظ منافع توده باشد". ارانی باین طریق پشت پا به قوانین ضد توده ای رضاشاهی زد و قانون ضد کمونیستی خردا در ۱۳۱۰ را که نوکران مجلس نشین رضاشاه وضع کرده بودند "قانون سپاه" نامید. خلق ایران نیز وظیفه دیگری برای خود جز بر هم زدن صدها "قانون سپاهی" که در دوره سلطنت خبیات با این پرده پسر وضع شده است نمی شناسد...

"فقط آن قانون مقدس است که حافظ منافع توده باشد". محمد رضاشاه میگوید: "اگر هرگز نخواهد بنام آزادی آزادی دیگری را از بین ببرد ما قادر نخواهیم بقیه در ص ۲

## زلزله

بار دیگر زلزله مهیبی عمده کثیری از مردم میهن ما را در فارس بخت افکند و یا جنگل بیخنامانی و آوارگی و مرگ از گرسنگی سپرد. بخشی از تلفات ظمیر زلزله مانند همیشه منعلول ناپایداری و پوسیدگی خانه های خشتی و گلی دهقانان فلاکت زد و فارس بود. در واقع این بلا با هندستی رژیم شاه ایمنزله مصیبت اجتماعی و زلزله پنهانیه مصیبت طبیعی بر سر مرد فارس آمد. و مسلما عواقبی که در اثر بیخنامانی، بیخناقی، بی وائی و آوارگی بر سر زلزله زدگان خواهد آمد از نخستین ضرر با ث زلزله کمتر نخواهد بود.

ما عمدری عمیق خود را نسبت به هموطنان زلزله زده ابراز می داریم.

## درود پر شور به طبقه کارگر مبارز ایران

مخالف اونیفورم بقیه از ص ۱  
 سالم داشته باشیم: " بنام کدام آزادی؟ " حقیقت اینست که در جامعه طبقاتی، آزادی نیز طبقاتی است. اگر طبقات غارتگر و ستم پیشه آزادی داشته باشند - چنانکه دارند - برای طبقات رنجبر و ستمکش آزادی وجود نخواهد داشت. هرگز نمیتوان آزادی جلا و قربانی را یکجانانین کرده ما هوادار آزادی توده های زحمتکش و میهن پرست ایران هستیم و بنام این آزادی است که سلب آزادی از جنایتکارانی نظیر محمد رضاشاه و هم طبقه ای های او را خواستاریم. زنده بگذارای خلق! مرده باز آزادی محمد رضاشاه!  
 " جامعه سالم " در نظر ما آن جامعه ای است که غده های سوطانی و انگل های نظیر محمد رضاشاه و سایر میهن فروشان و غارتگران و بهره کشان از پیکر وی برکنده شده باشند. سلامت جامعه ما در " تاسلامی " محمد رضاشاه - به مثابه مظهر رژیم کودتا - است.  
 محمد رضاشاه در طمع بر خالفان خود میگردد: " آنها همچنین مخالف اونیفورم هستند."  
 چرا آنها مخالف اونیفورم هستند؟ زیرا که هرگز با این لباس در پی آید دفاع از رژیم محمد رضاشاهی، دفاع از منافع میهن فروشان ایران و متحدان آنها و سرکوب خلق ایران را وظیفه خود قرار میدهد. اونیفورم دولتی ما نشانه قهر تجلی است و علامت وابستگی به ارگان های حبس و زجر و اعدام است. البته همه کسانی که به این لباس شوم درمی آیند بر معنای آن و بر راهی که در پیش میگیرند واقف نیستند و چه بسا که برای تأمین نان روزانه خویش بسوی اونیفورم می آیند ولی این امر در این حقیقت تغییری نمیدهد که عملاً در خدمت ستمگران اجتماعی اند و افزاینده هستند و وظیفه ای جز زدن و کشتن توده ها ندارند. البته در میان این گروه نیز افراد شرافتمندی یافت میشوند که باگاهی اجتماعی ناقل میانی نقدی تولید اجتماعی خویش را درک میکنند و آنگاه از راههای مختلف به خلق می پیوندند. بعنوان نمونه میتوان از اسمران پرافتخار نام برد که عهد محمد رضاشاه را شکستند و با خلق پیمان بستند و جان در این راه نهادند. هم اکنون دولت در نظر دارد از لایحه ای در مورد " افزایش اختیارات فرماندهان نظامی " به مجلس بدهد که هدفش تجسس و یافتن و کفر از این افرادی از ارتش است که در صدر مهربوری نسبت بخلق برآیند. لایحه مذکور به فرمانده و یا رئیس قسمت اختیارات جدیدی میدهد تا وی بتواند " با توجه بمصالح نیروهای مسلح شاهنشاهی " و " تاثیر بموقع " به تنبیه یا اخراج " افسر خاطی " اقدام کند ( کیهان ۱۸ اسفند ۱۳۵۰ ). این لایحه از بی اقتصادی محمد رضاشاه به نیروهای مسلح خود حکایت میکند و نشان میدهد که در این نیروها نیز افراد میهن پرستی یافت میشوند که ریشه پیوند خویش را با خلق نگسته اند. ولی صحبت بر سرفرازان نیست بلکه بر سرد ستگاه است. دستگاه ارتش پلیس زندان امری است که هائی است که هدف دیگری جز اعمال زور ندارد و ضد خلقی است. جنایتکار است. از این جهت اونیفورم آنها در چشم خلق ما بمنزله داغ لعنت است.  
 رژیم محمد رضاشاه برای آن چندتن اونیفورم پوشی که در برخورد با مبارزان مسلح از پای در آمدند تحزیه خوانی - های بزرگ بر پاکر و نوحه سرداد که این یکی صاحب و کدک بوده، آن دیگری نامزد داشته و آن دیگری مادر خود را سز میداده است! ولی این حقیقت سترگ را نمیتوان پنهان داشت که اگر ملت ایران در اسارت امپریالیست ها و عمال آنها بسر میبرد، اگر زنان و بهد اشت و فرهنگ محروم است و اگر صد ها هزار کودک ایرانی از بیدوائی و بیغذائی جان میسارند و اگر ده ها هزار مادر و عروس بمزای فرزندان و نامزدان شایسته خود می نشینند از آن جهت است که اشغال این اونیفورم پوشی ها وجود دارند. سخن بر سر احوال خصوصی نیست بلکه بر سر نفس اجتماعی است.  
 آری خلق ما مخالف اونیفورم محمد رضاشاهی، قانون و نظم محمد رضاشاهی است. خلق ما سرانجام با مبارزات قهر آمیز خود رژیم دست نشانده امپریالیست ها را سرنگون خواهد ساخت. قانون و نظم خویش را بر ضد کلبه ستمگران و میهن فروشان و استثمارگران بر گرسی خواهد بنشاند و اونیفورم مقدس سراسر از حکومت خویش را بوجود خواهد آورد.

تشیت جدید شاه بقیه از ص ۱  
 کشتارهای اخیر ایران اظهار نگرانی کرده بودند - و بویژه در مورد روزنامه "سوسوند" بهمین منوال بود. در واقع محمد رضا شاه امپریالیسم فرانسه را هم دیده و دیده خیدار. وی کار را بجائی رسانید که با اشاره به جنایات امپریالیسم فرانسه در جنگ ویتنام و الجزیره و قسوت پلیس آن کشور در وقایع منته ۱۹۶۸ چنین گفت:  
 " من در آغاز سخن به کسانی که تصور میکنند میتوانستند بدیگران در شب بدهند اشاره کردم. . . آنها چنین مسائلی را در موقعیت های دیگر و در جاهای دیگر پذیرفته اند که نمیخواهم از آنها نام ببرم. اما میدانم و میتوانم بزبان ساز باز گویم."  
 محمد رضا شاه با این عبارت تهدید کرد که اگر پرده از کار او برگردد او هم پرده از کار آنها بر خواهد گرفت.  
 سازمان عقوبت بین المللی شعبه فرانسه در گزارش خویش تصریح میکند که " مقامات ایرانی در اثر اینکه موارد نقض حقوق بشر در ایران، در مطبوعات فرانسه انتشار یافته فرانسه را به اتخاذ تصمیمات اقتصادی تهدید کرده اند. " سازمان عقوبت بین المللی بدروستی مینویسد که " دولت ایران بهتر از این نمیتواند نسبت نشان بدهد که چه درک عجیبی از دموکراسی ندارد. . . برای اطمینان شاه ایران آسمان است که سازمان های بیست - الی ما را به مدخله در امور داخلی کشور خویش متهم کردند و وی از یاد میبرد که ایران با قبول عضویت سازمان ملل و اعلامیه جهانی ( حقوق بشر ) را بنام خلق ایران پذیرفته است و وظیفه سازمان های ماست که مراعات این حقوق را در مورد همه خلق ها مراقبت کند. . . گفتن اینکه کلبه ناظران بر طبقه ایران برانگیخته شده بودند اتهام واهی و خطرناکی است. به این علت که اکثریت ناظران مذکور فرانسوی بودند فرانسه را به اتخاذ اقدامات اقتصادی تهدید کردن نقض اساسنامه نظارت بین المللی است. . .  
 از این برخورد ما میتوان دریافت که محمد رضاشاه در تلاش جلوگیری از فعالیت ایرانیان خارج از کشور تا کجا میپوش رفته است. او در برابر فروش میهن ما توقع دارد که نه فقط در داخل کشور در اجرای درنده ترین شیوه های فاشیستی بر ضد خلق دست باز داشته باشد. و از همه حثت مورد پشتیبانی امپریالیست ها فرار بگیرد بلکه امپریالیست ها در کشور خویش نیز نسبت با ایرانیان مبارز همین شیوه ها را بگیرند و خاطر " مبارک " او را آسوده نگه دارند. بدیهی است که امپریالیست ها هر لحظه که منافشان اقتضا کند از قبول توقع محمد رضاشاه باز نخواهند ایستاد. روزنامه " دی ولت " آلمان به همین مناسبت در پایان سفر ویلی برانت ( در ۱۹۶۸ ) نوشت که " این سوال اصولاً مطرح نیست که آیا دولت آلمان غرضی باید از دولت ایران پشتیبانی کند یا نه. بلکه مسئله اینست که چگونه این پشتیبانی را عملی سازد تا بدین وسیله منافع خود را بعنوان یک کشور صنعتی اروپائی به پیش ببرد. " این نمونه ای از برخورد نمایندگان امپریالیسم به حکومت و خلق ایران است. ولی برخی از محافل آگاه امپریالیستی هم اکنون باین نکته پی برده اند که جنایتکاری بی حساب رژیم محمد رضاشاه مانع سقوط فطیحت بار او نخواهد شد و منافع آنها را هم در ایران بخطر خواهند انداخت. تضاد های بین امپریالیست ها نیز در چگونگی برخورد به این یا آن سیاست محمد رضا شنا بی تاثیر نیست. در صورت تصور محمد رضاشاه در اینکه دولت های امپریالیستی بتوانند در خاک خود از عهد - فعالی لیت دموکراتیک و میهن پرستانه ایرانیان مقیم خارج بر آیند تصور باطلی است. محمد رضاشاه از امپریالیست ها متوقع اقداماتی است که خود او در کشور خویش از اجراء آن عاجز مانده است. نهضت دانشجویی در خارج از کشور - رهبری کشف راسیون محصلین و دانشجویان ایرانی - جزئی از نهضت عموم دانشجویان و یاره ای از نهضت فاطمیه خلق ایران است و خاموش شدن نیست. محمد رضاشاه که در این مورد دست توپل و التماس بدامن امپریالیست ها میزند عجز خویش را بیش از پیش آشکار میگرداند. دامنه شانزاد او در برابر امپریالیست ها بسیار محدود است زیرا که او بخاطر منافع اقتصادی و سیاسی خود نیازمند آنهاست و در پیرایه زود هرجائی که می نشانند نخواهد نشست.

فرخنده باد جشن اول . . . بقیه از ص ۱  
 زحمتکش دیگر را نیز که به آگاهی سیاسی پزرتی نائل آمده و خواستار مبارزه در راه برانداختن هرگونه استثمارند در پیی - گرد. اما سرمت آن باید در همه حال پزرتی یعنی مارکسیستی لنینیستی باشد.  
 متأسفانه نفی رهبری طبقه کارگر در میان برخی از روشن فکران ایران نیز هوادار پیدا کرده است و خلاصه دلایل آن در واقع اینست که طبقه کارگر در موقع لزوم آنها و بتشیوه برگزیده آنها وارد عمل نشده و نمیشود و بنابراین رهبری انقلاب بر عهده طبقات و قشرهای دیگر مانند دانشجویان و روشنفکران و خرد و بورژوازی شهری است.  
 چنین دلیلی هیچ گونه حمل علمی و صلی ندارد و برایه تحلیل طبقاتی متکی نیست.  
 پنجاه سال تاریخ اخیر کشور ما و بویژه سال های پس از شهریور ۱۳۲۰ گواه نقض رهبری طبقه کارگر ایران در مبارزات طبقاتی و ملی و ضد امپریالیستی است. در طی این سالها بزرگترین ضربات ارتجاع و امپریالیسم بر حزب طبقه کارگر ایران وارد شده است و اگر این حزب به اپورتونیسم و ریزونیسم در تقلبیده بود بدون تردید امروز مبارزات طبقاتی و ملی و ضد امپریالیستی خلق ما در مرحله دیگری از رشد و تکامل میسر میگردد. هم اکنون بیشترین فشار ارتجاع و امپریالیسم متوجه طبقه کارگر و مصروف در هم شکستن هرگونه سازمان طبقاتی است که دستمزد ها که کفای نان روزانه را هم نمیدهد انتقال اجباری از محلی محل دیگر، از شغلی به شغل دیگر و از کار تخصصی به کار غیر تخصصی، بیکاری و تهدید به بیکاری، بازجویی ها و بازداشت های روزانه، سازمان امنیت، بخون کشیدن تظاهرات و اقتصادیات کارگری - همه اینها شاهد خصلت ضد کارگری رژیم محمد رضاشاه و در عین حال دلیل هراسی است که وی از نیرو طبقه کارگر دارد. مجله " تهران اکونومیست " که سخنگوی سرمایه داران بزرگ و وابسته با امپریالیسم است پیشنهاد میکند که دست کارفرما در اخراج کارگران بازگذاشته شود زیرا که " یک کارخانه کارگاه یا موسسه وقتی کارگری را بیکار میکند که بوجود شرایط نداشته باشد و یا وجود وی را مختل میسرقت امور کارخانه بداند. " ( شماره ۴ - دی ۱۳۵۰ ) بعقیده او: " احتصاب . . . یکی از امراض قرن نوزدهم و بیستم است " که نه تنها " غنیتر قسائونی " بلکه " غیر انسانی و ضد ملی است " احتصاب یک حق نیست بلکه ناحق است. " و تهران اکونومیست بنماینده ای طرف مرتجع ترین محافل اقتصادی ایران نتیجه میگیرد که اصول تشکیل سند بگاه های کارگری در شرایط کنونی بزبان کشور است. ( ۲۰ آذر ۱۳۵۰ )  
 نخست وزیر ایران کار وقاحت را از این حد نیز گذراند و اصولاً منکر وجود طبقه کارگر در ایران شد. وی در " کفران ملی کار " اظهار داشت: " این یکی از پدیده های انقلاب ایران است که طبقات را از بین برده است. . . ما ایرانی هستیم. نه جنگ طبقاتی داریم و نه طبقات بستگی داریم. " ( کیهان ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۰ )  
 تلوگوشی نخست وزیر با این عبارت خواسته است شبنج ترسانگ طبقه کارگر و مبارزات او بکیر او را از جلوی دیدگان وحشت زده ارتجاع ایران دور کند.  
 اما هیچ زور و فریبی نخواهد توانست طبقه کارگر را از ایفا نقشی که معمول شرایط هستی اوست بازدارد.  
 ما بمناسبت جشن اول ماه مه به طبقه کارگر ایران درود میفرستیم و تجدید عهد میکنیم که به آرمان وی پیوسته. وفادار باشیم. ما بقیین داریم که طبقه کارگر ایران علی رغم همه تلاش ها و تشبثات رژیم محمد رضاشاه و ریزونیست ها با تمام نیرو وارد عمل خواهد شد. بمبارازات توده های دامنه و مضمون تازه خواهد بخشید و انقلاب قهر آمیز خلق را رهبری خواهد کرد.  
 پیروز باد جشن اول ماه مه، جشن همبستگی بینگزاران جوانه طبقه کارگر جهانی و همه خلق های جهان.  
 درود پرشور به طبقه کارگر قهرمان چین و آلبانی.  
 پیروز باد جنگ توده ای خلق های هند و چین.  
 پیروز باد نبرد مسلحانه خلق فلسطین بر ضد ضهیونیسم و امپریالیسم.  
 استوار باد پیوند انترناسیونالیستی طبقه کارگر و خلق زحمتکش ایران با طبقه کارگر جهانی و همه خلق های مبارزین.

### در چکوی سلوواکی

در نیمه اول ژانویه امسال خبرگزاری چکوسلواکی اعلامیه مجاری منتشر ساخت که توسعه مقاومت خلق چکوسلواکی اظهار نظرهای کرد.

در اعلامیه گفته میشود که ارکان های وزارت کشور چکوسلواکی در این روزگد شتو آغاز سال ۱۹۷۴ بدستگیری افرادی مبارزت جستند که تفراتک ها و اسناد خرابکارانه ای طبع میکرد و منتشر میساختند. افراد مذکور در سال های ۱۹۷۰ و ۱۹۷۱ در صدد تشکیل گروه های خرابکار برآمده اند تا "بر ضد جریان تثبیت وضع در چکوسلواکی" دست به مبارزه متشکل بزنند.

این اعلامیه خبرگزاری چکوسلواکی بار دیگر نشان میدهد که خلق چکوسلواکی حاضر نبوده و نیست در زیر چک "ارتش اشغالگر رومیزیونیت های شوروی بسوزد". این اعلامیه دلیل دیگری بسنر شکست "جریان تثبیت وضع" در چکوسلواکی است. همان جریان که نخست وزیر خان چکوسلواکی سرودهای فراوان در باره "آن راه انداخته است. اشغالگران شوروی و عمال آنها بکوشند که مردم چکوسلواکی را با بازداشت افراد و با آنها فعالیت بر علیه نظام سوسیالیستی "مروپ" و به "مراعات نظم موی" که همان حکومت فاسدانه و جا برانه آنهاست مجبور گردانند. ولی اعلامیه خبرگزاری ثابت میکند که وضع بدخواه اشغالگران و ایادی آنان نیست.

دومنی ضد انقلابی ... بقیه از ص: در اردو سته رومیزیونیت های ممالک غربی که وابسته به منافع بورژوازی ملی خویش و گروه های امپریالیستی اروپایی - امریکایی اند با رهبران مسکو بر سر توسعه اقتصادی ، سیاسی و نظامی رقابت دارند و ممکن نیست با آنها تصادف پیدا نکنند. احزاب رومیزیونیت اروپایی غربی مجبورند که موضع مستقلی اتخاذ کنند و با انتقاد از برخی از اقدامات اتحاد شوروی بپردازند. در غیر اینصورت رقیبان آنها کلبه اشتباهات و ناکامی های داخلی و خارجی رهبران شوروی را بزبان آنها مورد استفاده قرار خواهند داد. واقعه "چکوسلواکی ضربه سختی بر جناح - باصطلاح - لیبرال رومیزیونیم معاصر وارد آورد و رومیزیونیت های غربی تحت تاثیر شرایط ناچار شدند که در برابر ماجراجو های نظامی کرملن آشکارا اظهار حیرت کنند.

ناسیونالیسم بورژوازی با نیروی روز بروز آشکارتری در درون رهبری احزاب رومیزیونیتی که در کشورهای اروپایی شرقی در حکومت اند تظاهر میکند و تصادمات جدیدی با شوروی ها بر تصادمات قدیم بی افزاید.

در اردوگاه رومیزیونیتی در همه جا وجود دومیستی اساسی مخالف با یکدیگر بچشم خورد که هر دو آنها ضد مارکسیستی و ضد انقلابی است. دومیستی مذکور بر اساس تضادی که میان سیاست شوینستی و توسعه طلبانه سوسیال امپریالیسم از یک سو و ناسیونالیسم بورژوازی نیروهای گوناگون رومیزیونیتی از سوی دیگر وجود دارد. بر اساس تضادها و رقابتهای بین امپریالیسم نوظاسته شوروی از یک سو و بورژوازی قدیم و جدید کشورهای تحت حکومت رومیزیونیت ها از سوی دیگر ، بظهور رسیده است و رشد می یابد.

سران اتحاد شوروی خودشان از اوضاعی که در اردوگاه رومیزیونیتی پیش آمده است واقف اند و حس میکنند که آن سرگردگی که تا این اواخر در مورد واحد های مختلف رومیزیونیت نیستی اعمال میکردند از دستشان بدر میزود. اکنون رهبران شوروی با کلبه "مسائلی که در اختیار دارند" میکوشند تا در مبارزه بر ضد انقلاب سوسیالیسم ، بر ضد احزاب مارکسیست لنینیست واقعی ، از همه نیروهای رومیزیونیتی و منجمله از نگر های رومیزیونیتی سرکش بسود خویش استفاده کنند. هدف رومیزیونیت های مسکو اینست که نفتی بر عهد "هرگدام از این نیروها بگذراند" از چاکران وفادار ترسو میخواهند که در تبلیغ مشی شوروی نقش بلندگو بازی کنند. از آنهاست که منشاء مخالفتی و تضادی هستند میخواهند که از این وضع استفاده کرده بایفا "آن وظائف ضد انقلابی بپردازند که شوروی های پرده دیده و از اعتبار افتاده از ایفا" کامل آنها عاجزاند. رومیزیونیت های شوروی برای نیل باین هدف ، هم از زور استفاده میکنند هم از تعلق ، هم از اسلحه و هم از روسل.

در بار پهلوی و قاجاق ... بقیه از ص: یار نیست که پهلما - تهای ایرانی نقش پیش مرگ شاه را در قاجاق هرگزین بعدیده گرفته اند و در این رشته تخصص یافته اند. همین شازده دولسو ۱۲ سال پیش در پاریس بجم قاجاق مواد مخدره دستگیر و زندانی شد ولی نفوذ "اعلیحضرت آریاسهر" آزادی او را بازخرید و سپس بیاس این خوش خدمتی از مصونیت سیاسی نیز برخوردار دار گردید که دیگر دچار بلایه پاریس نشود. همین آقای نخست وزیر کوفی کسی است که نامش در دفتر سابقه درازان قاجاق هرگزین در فرانسه ثبت است. در سال ۱۳۲۵ که ایشان بعنوان دبیر اول سفارت ایران در پاریس مشغول خدمت بودند مجله "خواننده نیبا" در شماره ۴۹ مورخ ۱۹ بهمن ۱۳۲۵ خبر زیرین را منتشر ساخت: "بموجب خبر راد یو پاریس ایران - نیان توقیف شده در پاریس با اتهام قاجاق ، یک نویسنده ، سه روزنامه نگار ، سه عضو سفارت ، یک سرهنگ و یک تاجر بزرگ - می باشند . بموجب خبر بخدی تقریبا ۵ نفر تاکنون دستگیر شده اند از آن جمله آقایان : امیر عباس همدانی دبیر اول سفارت خجاری ، صنیع الدوله ، سرهنگ اسفندیاری ، گنجای مدیتر باباشمل ، وهاب زاده ، منصور صالحی . در یاد داشتی که دولت فرانسه با ایران داده قید شده است که حقوق دبیر اول شما معلوم و خارج او نیز معین است . ولی تحقیق کنید ویلا شارالیبه در خارج پاریس از چه محل خریداری شده است".

اینک این آقای نخست وزیر تحت رهبری شاه و اشرف بمبارزه بر علیه قاجاقیهای هرگزین مشغول است!

کاملا روشن است که هدف از تصویب قانون اهدا قاجاق چیان هرگزین در ایران بزرگدن جیب در بار پهلوی و در رجس نخست "شخص اول مملکت" و تظاهر به مبارزه با مواد مخدره در انظار عمومی مردم جهان برای تطهیر دستهای آلوده در بار پهلوی میساختند.

باشد که روزی طبقه کارگر ایران برهبری حزب خویش سرکرده قاجاقچیان ایران محمد رضاشاه پهلوی را بمجازات برساند و از آن جوانانی را که او به زهر هروئینی مبتلا نموده است باز ستاند.

"هرچنگ انقلابی که برهبری پرلشاپرا و حزب کمونیست نباشد و با از رهبری آنها بیرون رود محکوم شکست است."

**مانوئله دون**

در کشورهایی که رومیزیونیت ها در حکومت اند رهبران شوروی برای قبولاندن اوامر خویش به تهدید اعزاز تانک و یا تزیینات از طریق سازمان هایی نظیر پیمان ورشو و شورای تعاون متقابل و غیره متوسل میشوند. ولی بخطر کردن آن احزاب رومیزیونیتی که در حکومت تئیتید شوارتر است ، رومیزیونیت های شوروی در مورد آنها بهرگونه فشار ، تحریکات و دسائس ، از قطع کمک مالی گرفته تا ایجاد فراکسیون های در داخل آنها ، از فشار ایدئولوژیک گرفته تا بند بست سیاسی علنی ، دست میزنند.

از آنجا که دشمنی و مبارزه با مارکسیسم - لنینیسم و نیروهای انقلابی مدافع آن ، کلبه "رومیزیونیت ها" را از پیروان خروچچ گرفته تا پیروان تولیاتی ، علی رغم تنازعات و تضاد های آنان ، درجهجه "واحد ضد انقلابی" گرد آورده است رومیزیونیت های مخالف خوان بصورت وزنه "تعدادی" بر آمدنند که گاهی در این کله و گاهی در آن کله جای میگیرند. از یک سو میکوشند که از سرکشی خویش نسبت به مسکو استفاده کرده هرچه بیشتر از او امتیاز بگیرند و از سوی دیگر با تظاهر به مخالفت با مسکو نقش گمراه کننده بازی میکنند. در صدد آنند که احزاب وفادار به مواضع مارکسیسم - لنینیسم را هراندازه که ممکن است منحل گردانند و استدلال معروف رومیزیونیتی را به پیش میکنند که: "بیائید از آنچه مارا بیکدیگر نزدیک میکند سخن بگوئید. و بر طبق آن همکاری کنیم. بیائید آنچه را که مایه تفرقه ماست بر طاق نیسان بگذاریم."

پیروان تولیاتی و سایر رومیزیونیت ها از نوع آنها که به این طریق نطفه تلاشی در میان نیروهای مارکسیستی لنینیستی سالم می پرانند هم به رومیزیونیت های شوروی خدمت میکنند و هم به بورژوازی خویش و هم به امپریالیسم.

ولی این مانورها و نیرنگ ها در حزب کار آلیمانی تاثیر ندارد ...

### نکته ای دو مسئله نفت

دولت ایران جنجال فراوانی در باره فعالیت شرکت "ملی" نفت ایران راه می اندازد و حال آنکه این شرکت چیزی بجز زائده کمپانی های انحصاری نفت نیست و جز برداشته منافع آنها فعالیتت ندارد. این حقیقت باز دیگر در مذاکرات دولتمندان ایران و آلمان که مقاله ۸ مارس روزنامه "دی ولست" بدان پرداخته است آشکار گردید. اینک مقاله "روزنامه" دی ولست:

"مذاکرات صدراعظم آلمان و همراهانش با دولت ایسرا شامل علاقه و منافع نفتی طرفین نیز بود. دولت آلمان میکوشد که ۱۰ میلیون تن نفت خام به ارزانترین قیمت ممکن از ایران بخرد و در انبارهای خود ذخیره کند. ایران نیز میکوشد که تمام کشورهای صنعتی رابطه برقرار کند تا اگر روزی صاحب مقدار زیادی نفت شد بازار فروش داشته باشد. هر دو کشور در برنامه درازمدت خویش در نظر دارند که بنگاه مشترکی تشکیل داده نفت ایران را از موقع تسولیرتا حمل و تصفیه اداره کنند و فرآورده های نفتی مشترکی ببازار آورند. اینکه سرمایه حساب آلمانی در منابع نفتی ایران سیزکند و نفت ایران در آرایش گاهها و نفت فروشی های آلمان بجزایر نرآید در زبان فنی "جریان" به پائین نامیده میشود.

ولی حقیقت اینست که نفت ایران مانند آب در چین نیست و مذاکرات خرید ۱۰ میلیون تن نفت از پاییز ۱۹۷۰ تا کنون کن داده میشود و بالاخره صدراعظم آلمان نیز نتوانسته است شرایط تحویل این مقدار نفت را با مذاکرات خویش فراهم آورد. دلایل این امر روشن است. زیرا که حتی اگر ارضا شود که تهران و بن خواستار معاملات نفتی اند باز دست دولت ایران از حیث میزان نفت مورد معامله از پشت بست است شرکت ملی نفت ایران صاحب نفت است ولی میزان آن بقدری کم است که بسختی میتواند فقط ذخیره نفتی آلمان را تامین کند. شرکت مذکور باندازه لازم نفت برای فروش به آلمان ندارد تا چه رسد باینکه با آلمان در مسئله نفت به تشکیل بنگاه مشترک دست بزند. ظاهرا ۱۲/۵ درصد از نفتی که بزرگترین کسب سهم نفت در ایران تولید میکند متعلق بایران است ولی این ۱۲/۵ درصد از ۲۰۰ میلیون تن نفت استخراجی سالیانه دولت ایران تاکنون به کسرسیم فروخته است. طبق قرارداد این که با کسرسیم منعقد شده است دولت ایران اگر بخواهد از این ۱۲/۵ درصد استفاده کند حق ندارد در این کار به رقابت با یکی از اعضا کسرسیم برخیزد. از طرف دیگر این است که اگر دولت ایران به فروش ۱۲/۵ درصد نفت خود اقدام کند این امر در حکم رقابت است. شاید نفت ایران روزی آسان تر بتواند جریان یابد و این روزی خواهد بود که کشورهای تولید کننده نفت حق استفاده از مقداری از نفت تولید شده را بدست بیاورند. شرکتهای تولید کننده نفت میکوشند تا بتوانند ۲۰ درصد از نفت تولید شده را در اختیار خویش بگیرند ولی کاملا بدیهی است که گرانهای نفتی بر علیه این تقاضا برخوانند خاست و باجنگ و درند از موقعیت خود در کشورهای نفت خیز دفاع خواهند کرد.

از مقاله روزنامه "دی ولت" دو نکته را باید برجسته ساخت یکی اینکه تعلق ایران بر ۱۲/۵ درصد از نفت استخراجی کسرسیم فقط جنبه صوری دارد و دولت ایران مجبور است که همین مقدار اندک را هم با شرایطی که مورد قبول کسرسیم باشد ، باقیی که کسرسیم معین میکند و به کسی که کسرسیم نشان میدهد بفرستد.

دیگر اینکه رقابت امپریالیسم آلمان با سایر امپریالیسها بجزیه در مسئله نفت ایران امر مسلمی است که در آیند تشدید خواهد شد و ممکن است نتایج سیاسی قابل توجهی داشته باشد.

عنوان مکاتبات  
X GIOVANNA GRONDA  
24030 VILLA D'ADDA/ITALY

حساب بانکی  
X GIOVANNA GRONDA  
CONTO 12470/11  
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
MILANO/ITALY

## پیروز باد جنگ آزادی بخش خلق فلسطین

# در پیرامون زندگی کارگران

دوستی میبوسد:

... در مورد طبقه کارگر کافی است این مثال را برایت بزنم که درآمد متوسط یک کارگر در تهران روزی ۲ تومان در دست برابر قیمت ۲ کیلو پرتقال یا یک کیلو گوشت است. فکر میکنم این مثال روشنگر سطح زندگی طبقات کم درآمد در ایران است. برای این مثال باید اضافه کرد که کرایه ماهیانه یکی از بدترین اطاقهای که سه یا چهار نفر در آن زندگی کنند کمتر از ۱۲۰ تومان نیست.

همچنین باید اضافه کرد که دست نویسند ما درآمد متوسط را در نظر گرفته است نه درآمد های حداقل را که بتعداد کمی است، درآمد کارگر کارخانه را حساب کرده است نه درآمد کارگران فریادی را که در کارگاهها بکار مشغول اند، و در همه حال تهران نظر داشته است نه شهرستانها که وضع کارگران آنها از این هم بدتر است. روزنامه اطلاعات در ۲۳ اسفند ۳۴۹۹ خبر داد که دولت حداقل دستمزد کارگران را در مدرن ترین صنایع یعنی در اتومبیل سازی و لاستیک سازی ۱۱۰ ریال و در صنعت نساجی ۷۰ ریال تعیین کرده است. ولی حداقلی که عملاً برقرار می باشد از این کمتر است. همین روزنامه نوشت که در فروردین ۱۳۴۸ در اصفهان در بسیاری از کارخانه های نساجی حداقل دستمزد بین ۳۵ تا ۵۰ ریال بوده است. وزارت کار برای آنکه تسکینی به مطالبات کارگران داده باشد در یک سال پیش تصمیمی در باره افزایش حداقل دستمزد ها گرفت. این قرار: افزایش دستمزد های در حداقل ۵۰ ریال ۲۰٪، در حداقل ۶۰ ریال ۱۶٪، در حداقل ۷۰ ریال ۱۱٪ و در حد باین طریق وزارت کار حداقل دستمزد ها را در ۶۰ الی ۷۰ ریال تثبیت کرد. وقتی که شاه از اصفهان بازدید میکرد پرسید: "افزایش حداقل دستمزد در وضع کارگران این استان چقدر است؟" داشته است؟ "جواب شنید: "میزان حداقل دستمزد ۵۰ ریال بود ولی اکنون به ۶۵ ریال افزایش یافته است" (کپسکان ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۰).

میتوان واقعتاً وضع کارگران را که از این هم اسفناک تر است قیاس کرد. کارگری که ۶۵ ریال دستمزد دارد با تمام این مبلغ که باید کرایه خانه ۲ متر مربع، اجاره لباس، روشنایی و سایر هزینه های او را تامین کند یا باند گرم گوشت هم نمیتواند خرید. کارگران کارگاهها و بویژه کارگاههای قالی باقی گرفتار بدترین شرایط اند. چندی پیش شاه و برخی دیگر از مقامات دولتی به پیروی از او در باره این شرایط جان فرسا عساکر فریبی کردند و شاه گفت: "بچه ها را جمع میکنند و از انگشتنا ظریف این افراد بیچاره بی پناه کار میکنند و پناه روزی چها پنج ریال بیشتر نمیدهند... حتی شنیدم هم پدران و مادران خدمات اطفال خود را قبل از زایمان پیش فروش میکنند" (کپسکان ۲۴ بهمن ۱۳۴۷).

با انگشتنا ظریف همین افراد بیچاره بی پناه بودن که قالی های گرانبها زمین به عکس سران ارتجاع جهانی تهیه شد و در جشن های ۲۵۰۰ ساله بدست شاه به مهمانان وی تقدیم گردید!

عوام فریبی شاه و مقامات دولتی در باره شرایط کار و زندگی کارگران قالیباف پس از چندی بناچار بی پایان رسید ولی شرایط مذکور ادامه یافت. در اینجا باید اجحافات کارفرمایان، اختیارات بی پایان آنها در انتقال و اخراج کارگران، سهم ماموران سازمان امنیت و اختناق محیط را نیز بر شرایط اقتصادی رنجبار مذکور افزود. رژیم کودتا هرگونه تظاهرات و اعتراضات کارگری را با گلوله روبرو میسازد ولی تا وقتی که بر دگی مزد وی برجا است مقاومت و مبارزه کارگران نیز باقی خواهد بود و روز بروز نیرومندتر خواهد شد. "پرلشرا در این میان چیزی جز زنجیر خود را از دست نمیدهند ولی جهانی را بدست خواهند آورد" (مانیفست حزب کمونیست).

فرخی یزی در بیان همین معنی گفته است: "فرش صمیر و نان و نمیر و مفاخر ما را توانگران بچه تحویف میکنند" (تحویف یعنی ترساندن).

## دربار پهلوی

### وقایع مواد مخدره

اکنون قریب صد و چهل نفر در ایران بجرم حمل مواد مخدره بچونته اعدام بسته اند و اکثریت کسانی که قربانی قاچاق مواد مخدره گشته اند از خانواده های فقیر جامعه ما بودند. زمانی که قانون مجازات قاچاقچیان تصویب رسید استبدلال میکردند که با کشتن یکی جان صد هائز را نجات میدهند و زمانی که قانون منع کشتن خشکخاش تصویب رسید بیان میداشتند که یک ضرر مالی بهتر از وجود نسلی تریاکی است و امروز نیز که قانون منع محدود کشت خشکخاش را آورده اند استدلال می نمایند که برای جلوگیری از قاچاق مواد مخدره، دولت خود مزار کشت خشکخاش و فروش آنرا نظاره میکند. نه استدلال اولی و نه سایر شبهه استدلالها در خاطر خلق ایران بود. زمانی که قانون منع کشت خشکخاش را در ایران آوردند دربار نسل جسون مبین ما را هدف تیرهای زهرآگین عروثین قرار داد. بیجهت نبود که سازمان بهداشت بین المللی از اینکه درصد زیادی از جوانان بین ۱۵ تا ۲۵ ساله کشور ما معتاد زهر عروثین گشته اند اعلام خطر نمود. در عین حال اشرف خواهر فاسد شاه در ژنو با چندان ملو از عروثین که برای حمل با ایران همراه داشت دستگیر شد و تنه آبروی شاه را بعنوان قاچاقچی عروثین بر باد داد. اینکه مراجع بین المللی مبارزه علیه مواد مخدره بدین دکترای افتخاری در آمریکا به شاه اعتراض کردند دست بهمین علت بود. آنها اعلام داشتند که اطعمای دکترای افتخاری فقط در صورتی بکسی جایز است که برای پیشرفت خدمتی انجام داده باشد ولی در اثر "خدمات" دربار پهلوی بسیاری از جوانان ایرانی طعم زهر عروثین را چشیده اند. اما اعتراضات فوق مانع نکشت که امپریالیسم آمریکا نوکر خود را بقلب دگر زمین گرداند. تصویب قانون مجازات اعدام در واقع اعلام جنگ در باره پهلوی به قاچاقچیان جز بود که "بی شرمانه جسمان نموده و به حیطه عمل دربار پهلوی وارد گشته بودند. گلوله های محمد رضا شاه در واقع با زبان میکشند که انحصار قاچاق مواد مخدره با خاندان پهلوی است و هیچ جنینده ای را رخصت نخواهند داد تا بدین تجارت پر منفعت که بایک تیر و هدفی زند دست زند: برکردن جیب دربار و فاسد کردن نسل آتی. اینست دو هدفی که خاندان ننگین پهلوی وجهه همت خود قرار داده اند. امروز نیز که به بهانه جلوگیری از قاچاق کشت محدود را اجازه داده اند زمینهای درباری بقدر ۱۲۰۰ هکتار در زیر کشت خشکخاش است. آمار سازمان بهداشت جهانی نشان داده است که کلیه کشورهای جهان مواد مخدره توقیف شده در سال ۱۹۷۰ را نابود کرده اند البته بجز کشور شاهنشاهی ایران که از ۱۸۵۰۴ کیلو مواد مخدره ای که توقیف گشته است ۳۴۹ کیلو نابود ۱۵۲ کیلو بطور شیخی فروخته گشته و بقیه که شامل ۱۷۹۷۳ کیلو میباشند مفقود الاثر گشته است. روشن است که دستهای نامرئی بسیاری که از استین هزار فاضل بد آمده میتوانند حجم بدین زیادی را شمع مبارز انقیاب نمایند. سازمانهای جهانی مبارزه علیه مواد مخدره بارها اعلام داشته اند که مبارزه قطعی و همه جانبه علیه این زهر خانمان براندازها زمانی که شاه در ایران سلطنت میکند امکان پذیر نیست زیرا صورت دیپلماتیک اطرافیان شاه مانع از آنست که پلیس به دستگیری آنها اقدام نماید. نمونه آنرا در دوم اسفند ماه سال ۱۳۵۰ در سوئیس دیدیم.

## دوشی ضد انقلابی

### در اردوگاه رویزیونیست ها

اخیراً حزب رویزیونیست ایتالیا از حزب کارآلبانی برای شرکت در سیزدهمین کنگره خورشید عوشر کرد. حزب کارآلبانی از قبول دعوت خود در اری وریزید و روزنامه "زری ای پوپولیت" باین مناسبت مقاله ای تحت عنوان "زمین مارکسیست ها - لنینیست ها و رویزیونیست های معاصر نباید زبده شود" انتشار داد که سرشار از استواری انقلابی است. ما بخشی از آن را از مجله "آلبانی امروز" نقل میکنیم:

... آیا امروز رویزیونیست های ایتالیا تغییر کرده اند؟ آیا از ده پانزده سال پیش، از هنگام کنگره بیستم حزب کمونیست شوروی و کنگره ناس حزب کمونیست در ۱۹۶۰ در مسکو بهتر شده اند؟ بهیچ وجه! برعکس. آنها جریان انحطاط رویزیونیستی حزب را بآخر رسانده و سازمانی بوجود آورده اند که از لحاظ کیفی کاملاً تازه است و نقطه مقابل سازمان کمونیستی است.

یکانه اهتمام حزب رویزیونیست ایتالیا اینست که طبقه کارگر را در راه فراموش براند، خودگی و بدبینی و انقیاب و دست بردار بوجود آورد. حزب رویزیونیست ایتالیا مبارزات روزانه را بصورت مبارزات میدلی در آورده است که هدف آنها شرکت در حکومت و تقسیم قدرت موجود یعنی قدرت سرمایه داری با سایر احزاب بورژوازی است. رویزیونیست های ایتالیا پیوسته متحدان نزدیک سرمایه امپریالیست های شوروی بوده و هستند. در مسائل عمده از قبیل مبارزه با مارکسیسم - لنینیسم و فرونشاندن انقلاب سبیل ست نزدیکی و همکاری شوروی و آمریکا، نقشه های شوروی در مدیترانه و خاورمیانه، موضع گیری نسبت به جنگ ویتنام و غیره، زهرمان مسکو پیوسته از پشتیبانی کامل دوستان ایتالیایی برخوردار بوده و هستند.

درست است که بین رویزیونیست های ایتالیا و رویزیونیست های شوروی در این با آن مسئله خاص تضادها و اختلافاتی هم وجود دارد که در عرصه روابط بین المللی ظاهر میشود.

### تجربه جنگ آزادی بخش ملی

در این اثر که نوشته رفیق محمد شیخو عضو دفتر ستی حزب کارآلبانی و رئیس شورای وزیران جمهوری تورهای آلبانی است قوانین جنگ پارتیزانی، چگونگی پیدایش و تکامل ارتش پارتیزانی براساس تجربه جنگ آزادی بختر ملی خلق قهرمان آلبانی بیان شده است. از انتشارات توفان، بهبا معادل، ۴۰۰ ریال

## پیروزی مبارزه دلیرانه خلق های هندوچین